



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش های سیاسی

گام دوم انقلاب؛ نظریه نظام انقلابی

(به مناسبت ۱۲ فروردین؛ چهلمین سال تاسیس نظام جمهوری اسلامی)



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صدا و سیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

- ❖ عملکرد نظام سیاسی برخاسته از انقلاب ایران، نظریه‌های پایان انقلاب پس از نظام‌سازی را به چالش کشیده است.
- ❖ انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند.
- ❖ «نظام» و «انقلاب» با هم تناقض ندارند؛ اولی ساختار را نشان می‌دهد و دومی آرمان را.
- ❖ به موازات شکل‌گیری و قوام نظام جمهوری اسلامی، رهبران انقلاب موفق شدند شرایط انقلابی را همچنان حفظ نمایند.
- ❖ حضور مردم در صحنه، رمز همزیستی «نظام» و «انقلاب» است.
- ❖ نظام انقلابی به دنبال نهادینه‌سازی ویژگی‌ها و روحیه انقلابی‌گری در ساختار سیاسی است.
- ❖ جمهوری اسلامی به عنوان وسیله‌ای برای تحقق آرمان‌های والای انقلاب، «نظامی انقلابی» به شمار می‌آید که در دنیا نظیر ندارد.
- ❖ در دوران مدرن غیر از انقلاب اسلامی ایران، چند انقلاب مهم شامل آمریکا (۱۷۷۶)، فرانسه (۱۷۸۹)، روسیه (۱۹۱۷)، چین (۱۹۴۹) دنیا را تکان داد. فارغ از ریشه‌های هر انقلاب، رهایی انسان از قید ظلم و بی‌عدالتی آرمان اصلی همه آنها بود؛ با این حال سرنوشت این انقلاب‌ها بعد از روی کار آمدن انقلابیون یکسان نبود.
- ❖ انقلاب اسلامی ایران، همانند انقلاب فرانسه، تنها برای کسب آزادی یا مثل انقلاب اکتبر روسیه، انقلاب کارگری نبود، بلکه انقلاب اسلامی با تأکید بر ایدئولوژی اسلامی و تعالیم مکتب تشیع، در پی تحول اساسی در زندگی مردم بود.
- ❖ در انقلاب اسلامی ایران از مجموعه صدها شعار، دو شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» و «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» در کل کشور فراگیر شد. عنصر سوم این هر دو شعار هم جمهوری اسلامی است که به نظر مردم ایران دو خواسته اول را تامین می‌کرد.

جمهوری اسلامی، یک جمهوری مثل بقیه دولت‌ها و جمهوری‌ها و غیر جمهوری‌های دنیا نیست؛ یک نظام دارای پیام است. پیام نظام اسلامی پیامی است که ملت‌های جهان تشنه‌اند؛ فرق می‌کند با یک کشوری، با یک دولتی، با هر گونه نظام سیاسی که فقط در فکر یک محدوده جغرافیائی است؛ آن هم با آدمهائی، در رأس آن، آمیخته و آلوده به شهوات گوناگون بشری. اینجا مسئله، مسئله ارزشهاست؛ مسئله انسانیت است؛ مسئله نجات ملتها از کمند قدرتهای مداخله‌گر و سلطه‌طلب است. نظام اسلامی ما برای بشریت پیام دارد. همین پیام است که جهان‌خواران عالم را در مقابل ملت ایران قرار داده. اگر امروز روز اول این رویارویی بود، ممکن بود دل بعضی بلرزد؛ اما امروز روز اول نیست. ... سردمداران گوناگون در کشورهای قدرت‌طلب آمدند و رفتند، اما ملت ایران ایستاده است. این بنای مستحکم روزه‌روز سرفرازتر شده است.^۱

دوازده فروردین ۱۳۹۸، نظام جمهوری اسلامی چهل ساله می‌شود. نظریه‌پردازان انقلاب بر این باورند که نظام‌های جدید در راستای تثبیت و تحکیم موجودیت خود عمل می‌کنند؛ بنابراین مأموریت انقلاب با نابودی ساختار قبلی و تأسیس نظام جدید پایان می‌یابد و انقلابیون به عنوان مدیران نظام جدید به تدریج روحیه انقلابی را از دست می‌دهند و شبیه مدیران نظام قدیم عمل می‌کنند.^۲ با این وجود عملکرد نظام سیاسی برخاسته از انقلاب ایران، این دیدگاه را به چالش کشیده است. نظام جمهوری اسلامی در چهار دهه گذشته با تکیه بر "مکتب، مردم و رهبری" برای دستیابی به اهداف انقلاب در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در تکاپوست. از اینروست که رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم متذکر شدند: "انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند". هر چند عملکرد نظام جمهوری اسلامی به خوبی گویای استمرار انقلاب در نظام بوده است؛ این نخستین بار است که اصطلاح «نظام انقلابی» در توصیف ماهیت نظام بکار گرفته می‌شود. با توجه به اهمیت این موضوع در درک شیوه عمل دولتمردان نظام، در این نوشتار مفهوم نظریه نظام انقلابی و تمایز نظام جمهوری اسلامی با سایر نظام‌های برخاسته از انقلاب در زمینه پیگیری آرمان‌های انقلاب مورد پرسش قرار می‌گیرد. برای این منظور از روش اسنادی بهره گرفته می‌شود تا با استناد به دیدگاه‌های کارشناسان و نیز مقام معظم رهبری به پاسخی هرچند مختصر در این زمینه دست یابیم.

نظریه نظام انقلابی

«نظام» و «انقلاب» به ظاهر دو مفهوم متناقض هستند؛ نظام، بیانگر نظم، ثبات و حفظ وضع موجود و انقلاب گویای تغییر وضع موجود است. قرار گرفتن این دو واژه در کنار هم از ساختار و نظامی حکایت دارد که در پی تحول دائمی و مستمر و برخورد انقلابی با پدیده‌های پیش روست. نظام انقلابی از منظر مقام معظم رهبری، مهم‌ترین مشخصه متمایز کننده انقلاب

۱. بیانات در جمع دانش‌آموختگان دانشگاه امام حسین ۱۳۸۹/۳/۳

۲. منوچهر محمدی، بررسی نظریات انقلاب در انقلاب اسلامی و رابطه آن با نظام ج.ا.ا.، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، پاییز ۱۳۸۲، ش ۶۱.

اسلامی از سایر انقلاب‌ها و علت اصلی حفظ ماهیت آن پس از ۴۰ سال است. بنابراین نظام انقلابی که در ظاهر مفهومی متناقض است، می‌کوشد معنی مصطلح نظام را از ذهن بزدايد و چارچوبی برای گسترش ایدئولوژی انقلاب به تصویر بکشد که در آن خموشی و رکود نامفهوم است.^۱ مهدی محمدی، کارشناس سیاسی، پیشنهاد می‌دهد همان‌طور که در مفاهیمی مثل مردم‌سالاری دینی و جمهوری اسلامی پارادوکسی نیست، نوع نگاه به این مفاهیم نیز بایستی تغییر کند تا بتوانند در کنار هم قرار گیرند و هم‌زیستی کارآمد و از لحاظ نظری فاقد تناقض و همگن و بلکه یک مفهوم پیشرو خلق کنند.^۲

به باور منوچهر محمدی، کارشناس سیاست خارجی، نظام و انقلاب در ایران همزیستی داشته‌اند؛ در عین اینکه نظام جمهوری اسلامی که اداره کشور را بر عهده دارد، تأسیس و قوام یافته است، رهبران انقلاب موفق شدند شرایط انقلابی را به موازات شکل‌گیری نظام همچنان حفظ نمایند. محمدی، حضور مردم را رمز این همزیستی می‌داند و می‌افزاید: در انقلاب‌های دیگر بعد از تشکیل نظام سیاسی، غیبت مردم از صحنه نه تنها موجب کاهش مشارکت سیاسی آنان در تشکیل نظام سیاسی و نهایتاً ایجاد دیکتاتوری شد، بلکه با حذف یکی از ارکان مهم انقلاب که حضور گسترده مردم در صحنه بود، عمر انقلاب به پایان رسید و در نتیجه نظام سیاسی جایگزین انقلاب شد.^۳

محمد جمشیدی، استاد روابط بین‌الملل هم معتقد است «نظام» و «انقلاب» با هم تناقض ندارند؛ اولی ساختار را نشان می‌دهد و دومی آرمان را. گرفتن انقلاب از جمهوری اسلامی به معنی گرفتن آرمان و هویت از آن است. جمشیدی می‌افزاید: امروز هیچ کشور مهمی در دنیا وجود ندارد که سیاست خارجی‌اش متأثر از آرمان و هویتش نباشد. به عبارت دیگر، این هویت است که حتی منافع را مشخص می‌کند. «نظام انقلابی» به معنی جستجوی واقع‌بینانه آرمان‌های یک ملت است. انقلاب اسلامی باعث پیشرفت و قدرت‌یابی جمهوری اسلامی شده و هر جا جمهوری اسلامی با مشکل مواجه شده است، ناشی از عقبگرد و غفلت و دلزدگی مسئولین از انقلاب اسلامی بوده است.^۴

سعیدی، کارشناس سیاسی، نظریه «نظام انقلابی» را تلاشی در راستای جلوگیری از استحاله انقلاب و حفظ روحیه انقلابی عنوان می‌کند و بر این باور است که نظام انقلابی به دنبال نهادینه‌سازی ویژگی‌ها و روحیه انقلابی‌گری در ساختار سیاسی است. بنابراین لازمه انقلابی بودن نظام، وجود الگویی در ساختار تشکیل نظام از ملاک و معیار انتخاب حاکم تا سازوکار انتخاب حاکم و معیار تصمیم‌گیری و تأکید بر کارکرد و کارآمدی است.^۵

بررسی سخنان مقام معظم رهبری نشان می‌دهد ایشان جستجوی واقع‌بینانه آرمان‌های انقلاب اسلامی یعنی استقلال، آزادی، عدالت و ... را از کارکردهای نظام جمهوری اسلامی می‌دانند و ویژگی‌هایی همچون ایستادگی مقابل زورگویی و زیاده‌خواهی ظالمان و مستکبران^۶، پیگیری تصمیمات مستدل در مواضع اصولی^۷، تسلیم زورگویی نشدن، تسلیم زیاده‌طلبی

۱. محمدحسن صادق‌پور، مسیر دولت و جامعه انقلابی در گام دوم، روزنامه جوان، ۲۲ اسفند ۱۳۹۷

۲. مهدی محمدی، مضمون مرکزی بیانیه؛ نظام سازی انقلابی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، ۲۹ بهمن ۱۳۹۷

۳. منوچهر محمدی، همان

۴. محمد جمشیدی، مفاهیم اساسی در سیاست خارجی نظام انقلابی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، ۵ اسفند ۱۳۹۷

۵. مهدی سعیدی، پایگاه اینترنتی بصیرت، ۵ اسفند ۱۳۹۷

۶. بیانات در اجتماع مردم گیلان غرب، ۱۳۹۰/۷/۲۳

۷. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۶/۱۰/۱۲

نشدن، در موضع اقتدار ایستادن^۱، درهم شکننده تقسیم میان سلطه‌گر و سلطه‌پذیر و مخالفت با هر نوع سلطه‌گری^۲، مدافع عدالت و کرامت انسان و ارزش‌ها؛ ساعی برای ایجاد برادری و برابری؛ ایستاده در مقابل نفوذ دشمن^۳، مدافع مردم‌سالاری، استقلال و حقوق ملت در همه زمینه‌ها، مدافع حقوق مسلمانان عالم و هر مظلومی در هر نقطه عالم^۴، و مطرح کننده اسلام طرف‌دار مظلوم و ضد ظالم در دنیا^۵ را برای این نظام انقلابی برمی‌شمارند. به تعبیر مقام معظم رهبری:

کاری که انقلاب در آغاز انجام می‌دهد، ترسیم آرمان‌هاست؛ آرمان‌ها را ترسیم می‌کند. البته آرمان‌های عالی، تغییرناپذیرند؛ وسایل تغییرپذیر است، تحولات روزمره تغییرپذیر است، اما آن اصول که همان آرمان‌های اساسی است، تغییرناپذیر است؛ یعنی از اول خلقت بشر تا امروز، عدالت یک آرمان است؛ هیچ‌وقت نیست که عدالت از آرمان بودن بیفتد؛ آرمان‌ها را انقلاب تصویر می‌کند، ترسیم می‌کند، بعد آن‌وقت به سمت این آرمان‌ها حرکت می‌کند.^۶

بر این اساس جمهوری اسلامی به عنوان وسیله‌ای برای تحقق آرمان‌های والای انقلاب، «نظامی انقلابی» به شمار می‌آید که در دنیا نظیر ندارد:

در تحولاتی که در طول دو سه قرن اخیر، که قرن انقلاب‌های بزرگ است، اتفاق افتاده، هرچه من نگاه کردم موردی را پیدا نکردم که مثل انقلاب اسلامی، تحولی که در دوره اول پدید آمد، در دوره‌های بعد یا دهه‌های بعد، با همان شکل، با همان هدف‌ها، به سوی همان آرمان‌ها و با همان جهتگیری‌ها ادامه پیدا کند. یا اصلاً ادامه پیدا نکرده، مثل انقلاب شوروی؛ یا ادامه پیدا کرده، منتها با یک فترتی، با یک فاصله طولانی زمانی، همراه با مرارت‌ها و محنت‌ها و سختی‌های فراوان، مثل انقلاب کبیر فرانسه، مثل استقلال آمریکا.^۷

■ مقایسه پیگیری آرمان‌های انقلاب بعد از استقرار نظام جدید در چهار کشور

در دوران مدرن غیر از انقلاب اسلامی ایران، چند انقلاب مهم شامل آمریکا (۱۷۷۶)، فرانسه (۱۷۸۹)، روسیه (۱۹۱۷)، چین (۱۹۴۹) دنیا را تکان داد. فارغ از ریشه‌های هر انقلاب، رهایی انسان از قید ظلم و بی‌عدالتی آرمان اصلی همه آنها بود؛ با این حال سرنوشت این انقلاب‌ها بعد از روی کار آمدن انقلابیون یکسان نبود.

انقلاب آمریکا که منجر به آزادی نخستین مستعمره و تدوین نخستین قانون اساسی جهان شد، نتوانست به طور کامل به آرمان‌های خود دست یابد. به رغم شعار برابری انسان‌ها که در قانون اساسی هم مورد تأکید قرار گرفته بود، زنان، سیاهپوستان و سرخپوستان آمریکا از حقوق برابر با مردان سفید پوست برخوردار نشدند و هر یک مظالم بسیاری را در دوره ۴۰ ساله بعد از انقلاب متحمل

۱. بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین، ۱۳۹۶/۲/۲۰

۲. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۷/۱/۱

۳. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۹/۲۴

۴. بیانات در مراسم سیزدهمین نمازجمعه، ۱۳۷۶/۱۰/۱۲

۴. بیانات در مراسم سیزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۸۱/۳/۱۴

۵. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱

۶. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴/۶/۲۵

۷. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۰/۵/۱۹

شدند. تحدید آزادی وعده داده شده در قانون اساسی هم موضوع دیگری بود که به بهانه حفظ امنیت داخلی صورت گرفت. به علاوه توسعه طلبی که در دیدگاه رهبران انقلاب امری مذموم بود در دهه سوم انقلاب در پیش گرفته شد.

انقلاب فرانسه با شعار آزادی، برابری و برادری به پیروزی رسید و منشا دوره‌ای از دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی در تاریخ سیاسی فرانسه و اروپا شد. این انقلاب که یکی از چند انقلاب مادر در تاریخ جهان است، پس از فراز و نشیب‌های بسیار، نظام سلطنتی را به جمهوری فرانسه تبدیل کرد. اما با توجه به رویگردانی انقلابیون از اهداف انقلاب به ویژه در دوره ناپلئون، بعد از ۲۱ سال در تاریخ ۱۸۱۵ به نقطه اول بازگشت و مجدداً خاندان بوریون‌ها که طی انقلاب سرنگون شده بودند، زمام امور را به دست گرفتند.

در روسیه شعار برابری و برادری جای خود را به رشوه خواری و سوء استفاده داد. سازمان‌های جاسوسی به بهانه حفاظت از توده‌ها در مقابل خرابکاران راهاندازی شد. صدها هزار نفر از مردم شوروی به دلایل واهی چون اقدام علیه امنیت شوروی، ضد انقلاب بودن یا ضد کمونیست بودن اعدام شدند. بدین ترتیب انقلاب شوروی و حزب کمونیست که قرار بود آزادی توده جامعه و مردم را تضمین و تامین کند، خود به یک سلب کننده آزادی مردم تبدیل شد. در بعد اقتصادی، اشتراکی کردن اجباری کشاورزی قحطی بزرگی به دنبال داشت که طی آن میلیون‌ها نفر تلف شدند.

انقلاب چین، انقلاب دیگری بود که مدعی به ارمغان آوردن شرایطی برای زندگی مطلوب بود. در چهار دهه اول انقلاب کمونیستی چین، نه تنها عدالت و برابری در این کشور ایجاد نشد، بلکه به سبب سیاست‌های سخت‌گیرانه مائو، وضع دشواری برای مردم در عرصه‌های مختلف پدید آمد. مردم چین تنها با فاصله گرفتن از آرمان‌هایی که حزب کمونیست برایشان ترسیم کرده بود و برقراری تماس با کشورهای سرمایه‌داری، توانستند بهبود نسبی را در اوضاع کشورشان شاهد باشند.

انقلاب	• سرنوشت آرمان‌های چهار انقلاب، بعد از استقرار نظام جدید
ایالات متحده	<ul style="list-style-type: none"> • برابری حقوق انسان‌ها: نادیده گرفته شدن شهروندان بی‌زمین، سیاهپوستان و سرخ‌پوستان در موازنه قدرت^۱؛ محکوم نشدن برده‌داری در اعلامیه استقلال^۲؛ اعطا نشدن حق مالکیت و شرکت در انتخابات به زنان^۳ • دمکراسی: ترجیح نظام سرمایه‌داری و نژادپرستی بر نظام دموکراتیک^۴ • استقلال دولت: وابستگی دولت به کشورهای پیشرفته اروپایی • قانون‌مداری: تقدم امپریالیسم و حرکت به سوی توسعه سرزمینی^۵

۱. هنگامی که برای نوشتن قانون اساسی گرد هم آمدند، معاون جفرسون (نویسنده اعلامیه استقلال)، برده‌داری را بهترین ضمانت تداوم حیات سفیدپوستان عنوان و بر ادامه آن تأکید کرد. یکی از اعضا نیز گفت: تردید دارم، مردی با کله‌ای مانند نارگیل یا پوست شکلاتی رنگ به حدی از بلوغ رسیده باشد که به او اجازه داده شود خود را شهروند آمریکا بداند. (منیرالکعش، نسل‌کشی سرخپوستان آمریکا، ترجمه حسین خامه‌یار، انتشارات عروج، ۱۳۸۵، ص ۸)

۲. در سال ۱۷۷۸، سیاهان تقریباً ۲۰ درصد جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دادند. ۹۰ درصد از ششصد هزار سیاهپوست، برده بودند. پس از هفته‌ها بحث و جدل، نمایندگان بر اساس آنچه به «مصلحت سه پنجم» مشهور شد، موضوع را حل و فصل کردند. بر این اساس، بردگان برای مقاصد نمایندگی و مالیاتی سه پنجم افراد آزاد به حساب می‌آمدند. (پنج برده برابر با سه فرد آزاد). با وجود تغییر شرایط رأی‌دهی در ۱۸۷۰، چندین ایالت مالیات بر رأی‌دهی برقرار کردند و بدین وسیله اقلیت‌ها از استفاده از حق رأی محروم شدند. در تلاش برای برداشتن موانع حق رأی، اصلاحیه سال ۱۹۶۴ مالیات بر رأی‌دهی را غیرقانونی ساخت. (لیدیبا بجزونلوند، بنیانگذاری آمریکا و قانون اساسی آن، مترجم: مهدی حقیقت‌خواه، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۳، ص ۹۶)

۳. کلود ژولین، آمریکا در دو قرن، ترجمه: مرتضی کلانتریان، انتشارات آگاه، ۱۳۵۷، ص ۱۶۲

۴. ائتلاف دولت با ثروتمندان و طبقه برتر اجتماع، از اهداف اولیه مؤسسان جمهوری آمریکا بود. به اراده اولین رئیس جمهور ایالات متحده، ایجاد یک نظام سرمایه‌داری با انواع و اقسام رشته‌های ناگسستگی دولت و پول بر ایجاد یک نظام دمکراتیک ترجیح داده شد. (ژولین، همان، ص ۷۹)

۵. قانون اجازه انعقاد قرارداد به منظور خرید را به حکومت فدرال نداد، اما در دوران ریاست جمهوری جفرسون، لویزیانا خریداری شد. (شوئل، ال. فرانک، آمریکا، چگونه آمریکا شد، مترجم: ابراهیم صدقیانی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸، ص ۱۶۶-۱۶۷)

فرانسه	<ul style="list-style-type: none"> • آزادی: لغو آزادی‌های سیاسی و بازگشت استبداد دوره سلاطین^۱ • برابری و برادری: نادیده گرفته شدن اصل برابری و برادری^۲ • نهادسازی و دولت‌سازی: متمرکز شدن اداره امور و تحت فشار قرار گرفتن کلیسا^۳
روسیه	<ul style="list-style-type: none"> • آزادی و عدالت اجتماعی: محدود ساختن آزادی مطبوعات،^۴ ایجاد پلیس مخفی^۵، و اردوگاه‌های کار اجباری متمرکز، کشتار مخالفان^۶ • رفاه و عدالت اقتصادی: عدم منفعت طبقه کارگر از مصادره اموال و زمین‌های سرمایه‌داران و ایجاد نظامی نوین بر خلاف آرمان انقلابی^۷ • دولت نماینده واقعی مردم: ایجاد نظام محرمانه خدمات برای صاحب منصبان^۸

۱. بعد از انقلاب جرایم بسیاری منتشر شد که تاثیر زیادی بر مردم داشتند. اما بعد از مدت کوتاهی، مجلس و هیئت مدیره بدون رعایت اصول موضوعه قانونی، پیروان مذهب کاتولیک را تحت فشار قرار دادند. زمستان ۱۷۹۴ اعمال مذهبی کاتولیک‌ها در پاریس ممنوع شد، اما به واسطه فشار افکار عمومی، مجلس مجبور شد آزادی مذهبی اعلام و دین و دولت را از هم جدا نماید. آزادی مطبوعات در دوره افراطیون منسوخ شد، به طوری که هیئت مدیره رسماً ۴۵ روزنامه را توقیف کرد. ناپلئون معتقد بود: چاپخانه به منزله قورخانه است و نباید آن را در دسترس همگان قرار داد؛ فقط معتمدین دولت حق مداخله در کار چاپ را دارند. (آلبر ماله و ژول ایزاک، انقلاب کبیر فرانسه و امپراطوری ناپلئون، مترجم: رشید یاسمی، امیرکبیر، ۱۳۸۲)
۲. اعلامیه حقوق بشر فرانسه اصل مساوات افراد بشر را پذیرفت و امتیازات طبقات مختلف ملغی شد. اما به استثنای مجلس مؤسسان ۱۷۹۰ اصل مساوات در مجالس دیگر منظور نشد. در واقع قانون اساسی بجای طبقات ممتاز، دو طبقه فقیر و غنی تشخیص و حق انتخاب را به اغنیاء داد. امپراطوری ناپلئون مثل گذشته، القاب و افتخاراتی را به منسوبین خاندان پادشاهی اعطا کرد. هر چیزی که در مملکت مخالف رای او بود، ملغی شد؛ مجلس منحل شد و اداره پلیس توسعه یافت. در سال ۱۸۰۷ حدود ۶۰۰ نفر بدون محاکمه و به دستور امپراطور در زندان بودند. ناپلئون کار را به جایی رساند که خود بودجه تنظیم کرده و برخلاف سوگندی که در ابتدای امر درباره حفظ اساس مشروطه خورده بود، مالیات‌های جدید وضع کرد و حق ملت را در تنظیم دخل و خرج مملکت نادیده گرفت. (آلبر ماله و ژول ایزاک، همان)
۳. ۱۲ ژوئیه ۱۷۹۰ قانون تشکلات روحانیون تصویب شد. مجلس بر آن شد که روحانیون را مجبور به اطاعت و قرائت سوگند براساس قانون نماید طبق قانون هر کشیشی که از قسم خوردن خودداری می‌کرد، از شغل خویش مستعفی می‌شد و در صورت مداخله در امور مذهبی تحت تعقیب قرار می‌گرفت.
۴. یکی از نخستین اقدامات حکومت بلشویکی، محدود ساختن آزادی مطبوعات بود. نوامبر ۱۹۱۷ دو روز پس از استقرار حکومت جدید، طی فرمانی مقررات محدودکننده‌ای درباره مطبوعات وضع کرد و این نخستین گام در راه برقراری سانسور بود. (حمید شوکت، از انحصارطلبی انقلابی تا سرکوبی دولتی، نشر اختران، ۱۳۷۹، ص ۲۴-۲۳)
۵. بیستم دسامبر ۱۹۱۷ لنین دستور داد کمیته‌ای برای مبارزه با عناصر ضد انقلابی تشکیل شود. این کمیته بنیان اصلی سازمان مخوف پلیس مخفی شوروی بود که نظیر آن از نظر خشونت و شدت عمل در تاریخ معاصر جهان دیده نشده است. سازمان پلیس مخفی شوروی که در آغاز «چکا» نام داشت، بعدها چندین بار تغییر نام داد و فعالیت‌های آن به تدریج از داخل شوروی به سراسر جهان گسترش یافت. ظلم سازمان امنیت و اطلاعات شوروی به اندازه‌ای بود که تنها در دوره حکومت استالین شش میلیون نفر از مردم شوروی به دلایل واهی چون اقدام علیه امنیت شوروی و یا ضد انقلابی بودن و ضد کمونیستی بودن اعدام شدند. پلیس مخفی در تمام دوران فرمانروایی استالین، یکی از ترسناک‌ترین ابزارها برای تهدید و ارباب بود و نیروی نظامی خاص خود (حتی مجهز به تانک) و شبکه گسترده‌ای از جاسوسان و خبرچینان داشت و همچنین نظارت بر زندانها و اردوگاههای کار نیز به عهده آن بود. تعداد کشته‌ها و ناپدیدشدگان در فاصله سالهای ۱۹۲۲ تا ۱۹۳۹، به دست این سازمان را تا ۱۰ میلیون نفر نیز برآورد کرده‌اند. (محمدجواد امیدوارنیا، ریشه‌های دگرگونی در اتحاد جماهیر شوروی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰، صص ۲۰-۱۸)
۶. ترور منظم و تصفیه مخالفان، از ویژگی‌های حکومت استالین بود. این امر از ۱۹۲۹ به بعد، زیر عنوان «مبارزه طبقاتی»، گسترش یافت. آمار حاکی از آن است که در دوران حکمرانی استالین، بین ۱۲ تا ۱۵ میلیون نفر در زندانها و اردوگاه‌های کار اجباری اسیر و گرفتار بودند. (همان)
۷. عمده این ثروت و اموال در دستان اعضای حزب کمونیست چرخ می‌خورد. وضع مردم شوروی بدتر شد به گونه‌ای که اگر قبل از انقلاب کمونیستی طرف حساب دهقانان، فئودال ها و سرمایه داران بودند، اکنون با دولت مقتدر و سفاک شوروی روبرو بودند که جای هیچگونه مقابله و اعتراض برای دریافت حق را باقی نگذاشته بود. (شمسایی‌نیا؛ رامین، جریان شناسی انحراف در انقلاب اکتبر روسیه؛ سایت اینترنتی مفیدنیوز). برنامه اشتراکی کردن اجباری کشاورزی قحطی بزرگی به دنبال داشت که میلیون‌ها نفر طی آن تلف شدند؛ روشنفکران و کادرفنی و علمی بطور گروهی به خارج مهاجرت کرده بودند. نیمی از زمین‌های قابل کشت بایر مانده بود. کاهش تولید کشاورزی به حدی بود که کشور هر لحظه در خطر قحطی بود. روسیه ده‌ها سال به عقب برگشته بود. ۲۵ میلیون نفر از گرسنگی رنج می‌بردند. (پزشک زاد، ایرج، مروری در تاریخ انقلاب روسیه؛ تهران: نشر قطره، ۱۳۸۲، صص ۶-۲۶۳) لنین پیشنهاد کرد سیاست مصادره محصولات دهقانان ملغی و نظام برقراری مالیات بر محصولات کشاورزی جایگزین آن شود. در کنگره حزب تصمیمات اقتصادی جدیدی اتخاذ و سیاست اقتصادی نوین (نپ) در دستور کار قرار گرفت. حکومت بلشویکی که خود را حافظ منافع زحمتکشان و دشمن بورژوازی می‌دانست، مجبور شد با بکار گرفتن ارزش‌هایی که برای نفی آنها به پا خاسته بود، نظام نوینی بسازد. (شوکت، همان، ص ۷۵)
۸. پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی در شوروی، بویژه در دوره حکومت استالین، با این توجیه که صاحب منصبان مهم باید ضروریات زندگی را در اختیار داشته باشند تا بتوانند با خیالی راحت به اداره امور بپردازند، امتیازات خاصی برای آنها در نظر گرفته شد. در همان حال که مردم کشور گرفتار فقر و کمبود و گرانی بودند، نظام محرمانه‌ای از توزیع امکانات و تسهیلات وسیع، کالاهای کمیاب و خدمات ویژه برای بلند پایگان کشور پدید آمد که روز به روز توسعه پیدا کرد. در جامعه شهری، نظریه «مساوات طلبی خطرناک» رسماً محکوم شد و یک رشته کامل دستمزدها و حقوق متفاوت، مزایای جنبی و مزایا به طور کلی، فروشگاه‌های اختصاصی و امتیازات انحصاری برای آن گروهی در نظر گرفته شد که رؤسای حزب و دستگاه دیوانسالاری را تشکیل می‌دادند. (آلن وود، استالین و استالینیسیم، مترجم: محمد رفیعی مهرآبادی، انتشارات خجسته، ۱۳۸۱، ص ۸۱)

- اصلاحات اقتصادی: وقوع قحطی و کمبود جدی مواد غذایی در پی اجرای یک برنامه اقتصادی^۱
- اصلاح ساختار سیاسی و اجتماعی: ناکامی در انقلاب فرهنگی^۲؛ کاهش نقش ایدئولوژی بعد از مرگ مائو
- اصلاحات در سیاست خارجی: قرار گرفتن محور سیاست چین بر اصل همزیستی مسالمت‌آمیز برخلاف آرمان انقلاب ۱۹۴۹^۳

تبلور آرمان‌های انقلاب در نظام جمهوری اسلامی

انقلاب اسلامی ایران که در شرایط تسلط مکاتب مادی با الهام از آموزه‌های دینی به پیروزی رسید، همان‌طور که در ریشه و اهداف با انقلاب‌های پیش از خود متفاوت بود، همچنان به آرمان‌های خود وفادار مانده است. انقلاب‌های فرانسه، روسیه، چین و حتی آمریکا (مگر در سال‌های آغازین که نبردهایی با انگلستان داشت) نه در بیرون و نه در درون با دشمنان قسم خورده مواجه نشدند. در حالی که انقلاب اسلامی در طول حیات خود همواره با دشواری‌ها و توطئه‌ها در حال مبارزه بوده است. این انقلاب تنها در ۱۰ سال اول با ده‌ها توطئه براندازانه روبه‌رو شد. فشار سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی دشمنان خارجی انقلاب جهت براندازی، در دهه‌های دوم، سوم، و چهارم نیز ادامه یافت. با این حال دفاع از آرمان‌ها و ارزش‌های انقلابی، کماکان اولویت اصلی مردم و رهبران نظام به شمار می‌آید.

انقلاب اسلامی ایران، همانند انقلاب فرانسه، تنها برای کسب آزادی یا مثل انقلاب اکتبر روسیه، انقلاب کارگری نبود، بلکه انقلاب اسلامی با تأکید بر ایدئولوژی اسلامی و تعالیم مکتب تشیع، در پی تحول اساسی در زندگی مردم بود. در همه انقلاب‌ها زمانی که احساسات مردم به دلیل نارضایتی غلیان می‌کند، شعارهای مختلفی برخاسته از تقاضا و نیازهای درونی آنها مطرح می‌شود؛ در انقلاب فرانسه شعار آزادی، برادری و برابری، و در روسیه نان، مسکن، آزادی یا کار، مسکن، آزادی برجسته بود. در انقلاب اسلامی ایران از مجموعه صدها شعار، دو شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» و «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» در کل کشور فراگیر شد. وقتی مردم استقلال را مطالبه می‌کنند و آن را با بحث نه شرقی نه غربی توضیح می‌دهند، یعنی وابستگی را نفی می‌کنند و در جستجوی راه حلی برای خروج از وابستگی هستند.

شعار دیگر یعنی آزادی، مقابل استبداد است. برداشتن سد استبداد دغدغه تاریخی ملت بود که در انقلاب مشروطه، نهضت ملی نفت و پانزده خرداد ۴۲ به صورتی آشکار قابل مشاهده بود. عنصر سوم این هر دو شعار هم جمهوری اسلامی است که به نظر مردم ایران دو خواسته اول را تامین می‌کرد.^۴

۱. در سال ۱۹۵۸، برنامه اقتصادی رشد سریع در دستور کار قرار گرفت که هدف آن دست یافتن به رشد سریع و همزمان در تولیدات صنعتی و کشاورزی بود. اجرای این برنامه به کاهش تولیدات صنعتی و کشاورزی منجر شد و به دلیل کمبود جدی مواد غذایی، مرگ میلیون‌ها نفر را در پی داشت. (بان داری شر، تحولات سیاسی در جمهوری خلق چین، مترجم: عباس هدایت وزیری، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸، صص ۱۳۵-۱۳۴)

۲. هرگز به ذهن مائو خطور نکرد که آزادی بیان یا آزادی عقیده را به عنوان فضیلت‌های سیاسی ارزشمند به شمار آورد؛ جنبش «بگذار صد مکتب فکری چالش کنند و صد گل بشکند» در ۱۹۵۷، به هیچ رو هدف آزادی بیان یا آزادی عقیده مردم را دنبال نمی‌کرد. هدف این بود که مردم را اغوا نماید، تا افکاری که جرات ابراز آن را نداشتند، بیان کنند. به گفته مائو، این کار برای «روکردن دست مخالفان» بود، تا بعداً هدف یک حمله قرار گیرند. (داری شر، همان، ۹۴)

۳. چین معتقد شد، جنگ بین دولت‌ها حتمی نیست و ممکن است انتقال سرمایه‌داری به سوسیالیسم گاهی به روش مسالمت‌آمیز باشد. در این راستا استراتژی چین از گرایش یک جانبه (اتحاد چین و شوروی) به سوی غرب تغییر جهت داد. تغییرات سیاست خارجی چین همیشه پیرو ضرورت‌های اقتصادی داخلی بوده است و این امر به تدریج چین را وادار کرد تا شیوه برون‌گرایی را در پیش گیرد. (علی عبداله‌خانی، اصلاحات در چین و شوروی، تهران: انتشارات ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۰).

۴. مطالبه تمام ناشدنی استقلال؛ گفت گو با دکتر محمدباقر خرمشاد، فصلنامه زمانه، سال دوم، شماره ۱۶، دی ۱۳۸۲

استقلال

- انقلاب، وابستگی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایران را به غرب و شرق قطع کرد.

آزادی

- آزادی واقعی در گرو تامین حق مردم در تعیین سرنوشت خویش است. ادوار مختلف انتخابات که تاکنون برگزار شده است، نشان از وجود این آزادی است.

جمهوری اسلامی

- همواره گفته می‌شد که نظام دینی به تاریخ پیوسته است و امکان ندارد دوباره به وجود بیاید. انقلاب این نظریه را به چالش کشید و نشان داد می‌توان یک نظام دینی با برنامه به وجود آورد.

معاونت سیاسی
صدا و سیما